

راهنمای آکسفورد در تاریخ فلسفه سیاسی

ویراستار: جرج کلوسکو

مفاهیم

(۴۶)

فمینیسم

فانوسی، هیرشمن

ترجمه حمید ملک



نصید و سرا

سرشناسه  
هرشمن، نانسی ج.، ۱۹۵۶ م.  
Hirschmann, Nancy J., 1956

عنوان و نام پدیدآور  
فمینیسم / نانسی جی هیرشمن؛ ترجمه حمید ملک‌زاده.

مشخصات نشر  
تهران: دیده سرا، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری  
۱۶۰ ص.؛ ۲۰ سانتیمتر.

فروست  
راهنمای سفر در تاریخ فلسفه سیاسی؛ ۴۶ مفاهیم / مدیر  
مجموعه بهنام جودی.

شابک  
ج. ۴۶: ۵۰۱-6-978-600-8054-20-7؛ دوره 7: 600-8054-20-7-978

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
پادداشت  
کتاب حاضر ترجمه "Feminism" نوشته نانسی جی  
هیرشمن از کتاب "The Oxford handbook of the history of  
political philosophy" به ویرایش ری جورج کلووسکو است.

موضوع  
فمینیسم (Feminism)  
علوم سیاسی — فلسفه — تاریخ  
Political science — Philosophy — History  
کلووسکو، جورج، ۱۹۵۰ م.، ویراست (Klosko, George)  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
جودی، بهنام، دبیر مجموعه  
ردمبندی کنگره  
HQ1۲۱۶  
۴۲۳۰۵  
ردمبندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی  
۹۸۲۱۳۴۶



قصيدہ سرا

پایان ای آکسفورد در تاریخ فلسفه سیاسی

(۴۶)

در مجموعه: بهنام جوادی

وینیسیم

فانسی بی. بی. شمن

ترجمه حمید الهادی

ویراستار: مهرانگیز انصاری

طرح جلد: آروین رفیع زاده

آماده سازی قبل از چاپ: آرمیتا رفیع زاده

چاپ و صحافی: قشقای

چاپ اول: ۱۴۰۳ تعداد: ۵۰۰ نسخه

شابک دوره: ۷-۲۰-۸۰۵۴-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۶-۰۱-۸۰۵۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

## فهرست

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۷  | یادداشت دبیر مجامعه      |
| ۱۵ | مقدمه مترجم              |
| ۱۹ | فمینیسم                  |
| ۱۹ | مقدمه                    |
| ۲۳ | زنان در اندیشه سیاسی غرب |
| ۲۹ | بازسازی متون کانونی      |
| ۳۹ | جنسیت و روش              |
| ۵۳ | نتیجه گیری               |
| ۵۷ | منابع                    |
| ۶۵ | معرفی نویسنده            |

### یادداشتِ دبیرِ مجموعه

آثار و تألیفاتِ حرب، فلسفهٔ سیاسیِ اروپایی و تاریخِ آن در ایران و به زبانِ فارسی، در فیس با کتب موجود در این حوزه، محدود و اندک است. عمدهٔ این آثار، کتاب‌هایی حجیم و چندجلدی هستند که مطالعهٔ آن برای اغلب دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان، دشوار است. به همین دلیل، فقط تعداد معدودی از علاقه‌مندان، اساتید و پژوهشگران، از این آثار استفاده می‌کنند. این در صورتی است که در زبان‌های اروپایی، به‌ویژه انگلیسی، در حوزهٔ اندیشهٔ سیاسی، فلسفهٔ سیاسی، نظریهٔ سیاسی و تاریخِ آن‌ها آثار متنوعی وجود دارند که از زوایای گوناگون مطالب، نظرات، ایده‌هایی مختلف را طرح و بررسی می‌کنند. از آنجایی که تفکر فلسفیِ عالی‌ترین نوعِ اندیشیدن است و سابقه‌ای بیش از دو هزار ساله در تاریخِ اندیشه دارد، بر آن شدیم آثاری که ایده‌ها و مفاهیم بنیادینِ فلسفهٔ سیاسی را به‌صورت «راهنما» در اختیار خوانندگان ایرانی، به‌ویژه دانشجویان، قرار می‌دهند، ترجمه کنیم و به چاپ برسانیم.

مجموعهٔ *The Oxford Handbook of the History of Political*

*Philosophy* (Oxford Handbooks, 2011) (راهنمای آکسفورد در

تاریخ فلسفه سیاسی)، به ویراستاری جرج کلوسکو، از آن دست آثار است که مباحث پایه‌ای و بنیادی تاریخ فلسفه سیاسی را از چند زاویه به بحث می‌گذارد. این مجموعه متشکل است از مجموعه مقالاتی که در یکی از معتبرترین دانشگاه‌ها و انتشارات در سطح جهان، یعنی آکسفورد، منتشر شده است. ویژگی‌های منحصر به فرد هریک از این مقالات آن را از سایر آثار این حوزه متمایز می‌کند.

راهنمای آکسفورد در چهار بخش کلی تدوین شده است: بخش نخست، تحت عنوان «روش»، نظریه‌هایی درباره روش مطالعه پژوهش در تاریخ فلسفه سیاسی را مطرح و در چند مقاله آن‌ها را بررسی می‌کند؛ بخش دوم به تاریخ فلسفه سیاسی، از یونان تا زمانه معاصر، می‌پردازد و عمدتاً به جای تمرکز صرف بر آرای فیلسوفان سیاسی، اندیشه آن‌ها را در مکاتب و برهه‌های تاریخی، به لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری، ارائه می‌کند؛ بخش سوم به مفاهیم اساسی اندیشه سیاسی، از قبیل تغییر، دولت، حاکمیت، قرارداد اجتماعی، فمینسم و... اختصاص دارد؛ بخش چهارم نیز به‌طور محدود به تاریخ فلسفه سیاسی در شرق می‌پردازد. همان‌گونه که از بخش‌بندی این مجموعه پدیدار می‌شود، با اثری جامع و کامل روبه‌رو هستیم که هر مخاطب علاقه‌مند، دانشجوی پژوهشگر و استاد در حوزه علوم انسانی نیازمند دسترسی به آن است. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این راهنما این است که مجموعه مقالات آن به قلم متخصصان و پژوهشگران شناخته‌شده، با پراکندگی جغرافیایی، از آمریکا گرفته تا اروپا و استرالیا و از دانشگاه‌های گوناگون است که هریک آثار و تألیفاتی درباره مقاله ارائه شده برای این مجموعه، دارند که خود نکته حائز اهمیت است برای افرادی که بخواهند مطالب بیشتر و مفصل‌تری در این باره بخوانند. این ویژگی‌ها موجب شد برای ترجمه این مجموعه مصمم‌تر تلاش

کنیم. تصمیم گرفتیم هر چهار بخش این مجموعه را منتشر کنیم و ترجمه آن‌ها را به اساتید و پژوهشگرانی ایرانی بسپاریم که در این حوزه مطالعاتی داشتند و آثاری نیز منتشر کرده یا سال‌ها در دانشگاه آن‌ها را تدریس کرده‌اند. از این‌روی، برای چاپ این مجموعه مقالات بهتر دیدیم که به جای گنجاندن آن‌ها در دو یا سه جلد حجیم، هر مقاله را در یک جلد مجزا و کم‌حجم منتشر کنیم تا هر مخاطب، حسب نیاز خود، اقدام به تهیه یک جلد یا کلی مجموعه بکند. در این راستا از همکاری انتشارات قصیده‌سرا و مدیر محترم آن، جناب آقای لطیف رفیع‌زاده، بهره بردیم تا با چاپ و نشر این مجموعه ارزشمند تا حدی پاسخگوی نیاز علاقه‌مندان به مباحث فلسفه و ادبی باشیم. امید داریم حاصل این تلاش و همکاری، دایره تنگ مخاطبان خاص این مقولات را گسترش دهد و افراد بیشتری را جذب مطالعه آن مباحث کند.

در خصوص ترجمه نیز دو نکته ضروری است. ترجمه یک اثر از یک زبان بیگانه، محدودیت‌های خاص خود را دارد و به‌ویژه مترجم متن‌های تخصصی فلسفی و مخابراتی روبه‌روست که دقت بیشتری را می‌طلبد. در برخی موارد با دقت صبر نیز نمی‌توان به ترجمه‌ای قابل قبول دست یافت؛ چراکه اگر ترجمه را صرفاً معادل‌یابی واژه‌ها و اصطلاحات از زبان مبدأ به زبان مقصد تلقی کنیم، ممکن است برای بعضی از معادلات زبان مقصد معادلی وجود نداشته باشد؛ برای مثال ما با مفاهیمی در زبان‌های دیگر، مانند زبان انگلیسی، مواجه هستیم که در تجربه تاریخی ما یا زبان‌های دیگر سابقه‌ای نداشته و مفهوم‌سازی نشده است. این حتی گاهی موجب شده تا مفهومی خاص عیناً و بدون ترجمه در زبانی دیگر، برای مثال فارسی، به کار رفته و جا افتاده است؛ مثل مفهوم «مدرنیته». همچنین پیش آمده است که برخی از

اصطلاحات یا مفاهیم به درستی ترجمه نشده‌اند و طی استمرار استفاده غلط، معادل‌هایی دقیق نیز برای آن‌ها در زبان فارسی نداریم. برای مثال، مفاهیم «state» و «government» در زبان فارسی که به ترتیب باید «دولت» و «حکومت» ترجمه شوند، به فارسی برعکس و به جای یکدیگر استفاده شده‌اند و بین اهالی رشته علوم سیاسی به غلط جا افتاده‌اند. صرف‌نظر از معادل‌های آن‌ها در زبان‌های دیگر، به لحاظ تاریخی نیز ما این دو را به جای یکدیگر و اشتباه استفاده کرده‌ایم. مثال دیگر، مفهوم اروپایی «nation» است که «تقریباً» به اشتباه و بدون توجه به پیشینه تاریخی آن در ایران، از زمان قاجار به «ملت» ترجمه شده است. مفهوم ناسیون یا به تعبیری نیشن، در جهان اروپایی ابداعی جدید است که با فروپاشی امپراتوری مقدس روم و از سده‌های ۱۵-۱۶م به این سو، به تدریج، در مکتب مدرن استفاده شد که مبنایی «نژادی - قومی» داشت و مردمان اروپایی را سبب تحول خودشان، عمدتاً به دست دولت‌هایشان تبدیل به «ناسیون» شدند؛ یعنی یک قوم و نژاد با یک زبان مشخص در محدوده جغرافیایی مشخص. به این ترتیب، مفهوم «nation-state» نیز در این تحول تاریخی در اروپا پدیدار شد، به گونه‌ای که دولت‌های اروپایی با خروج از قیومیت کلیسای کاتولیک روم و پاپ، «ناسیون» خود را ایجاد کردند که در زبان فارسی به «ملت‌سازی» تعبیر و تبدیل به «ملت‌های ملی» شدند. اما تاریخ تحول مفهوم «ملت» در جهان ایرانی، تماماً تحولی متفاوت را نشان می‌دهد. برای مثال، مفهوم «ملت» در ایران که ریشه و سبقه‌ای «دینی» دارد، برخلاف اروپا، ابداع دولت‌ها نیست، بلکه به‌طور طبیعی و در درازای تاریخ چند هزاره‌ای ایران و از «وحدت متکثر» مردمان و قوم‌های گوناگون پدیدار شد و با مفهوم «ایران» تجلی یافت و اکنون «ایران» تبدیل به مفهومی شده است که

هم به معنای ملت است و هم دولت و به جای «nation» که بر قوم و نژاد مبتنی است، عمدتاً مفهومی تاریخی - فرهنگی دارد. از سوی دیگر، «ملت ایران» به لحاظ تاریخی نه ساخته دولت‌ها و سلسه‌های حاکم بر ایران، که البته دستی در تقویت و در مواقعی تضعیف ایرانیّت داشته‌اند، بلکه درست برعکس تجربه اروپاست. لذا، با توجه به تاریخ تحول مفاهیم، نمی‌توان مفهوم «nation» را با مفهوم «ملت» در زبان فارسی دقیقاً هم‌معنی و معادل دانست. از این روی، ترجمه واژه به واژه مفاهیمی مانند «nation» و «ملت»، می‌تواند موجباتِ بافهم و سوء تفاهم‌هایی را فراهم کند که با ورود ایدئولوژی‌های چپ ضد استعماری و پست مدرن به جامعه ما، با طرح مباحث «اقول/اقت/اکثریت» و... توهماتی خطرناک مانند «ملت‌های ایران را بجا و موجبات تضعیف ایران» واقعی را فراهم کند. بر همین پایه، اگر نه این سطور تا جایی که در توان داشته، در مواردی از این دست - بزرگه‌های خطرناکی چون مثال «nation» و «ملت» - با مترجم‌های محترم این مجموعه وارد گفت‌وگو شده و پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند؛ هرچند هیچ اجبار یا تحمیلی در کار نبوده و در نهایت خود مترجم با تصمیم گرفته‌اند که چه معادل‌هایی را انتخاب کنند.

مشکلات به مواردی که اشاره کردیم محدود نمی‌شود. برخی از مفاهیم و اصطلاحات تخصصی، تاریخ تحول معنایی گسترده‌ای دارند، به گونه‌ای که در جهان اروپایی نیز این دقت را دارند که وقتی از این مفاهیم استفاده می‌کنند به تاریخ و معانی گوناگون آن نظر داشته باشند. برای مثال، مفهوم «constitution» است که اغلب به «قانون اساسی» ترجمه می‌شود. در حالی که عمدتاً بعد از انقلاب ۱۷۸۹م فرانسه بود که چنین معنایی به آن اطلاق شد و پیش از آن دامنه معنایی گسترده‌تر «نظام»، «تشکیلات»، «اساس»، «نظام‌نامه»،

«قانون اساسی» و... داشته است. مترجم و مخاطب محترم بایستی به هنگام ترجمه و مطالعه در نظر داشته باشد که کاربرد این مفهوم در یونان باستان، سده‌های پایانی قرون وسطی یا طی رنسانس، نمی‌تواند کاربردی «دقیقاً» به معنای «قانون اساسی» داشته باشد؛ چراکه در تجربه فکری و مفهومی اروپایی طی این دوره‌ها هنوز نظریه‌هایی درباره تدوین «قانون اساسی»، «تأسیس دولت» به معنای مدرن، «حاکمیت مردم»، «اراده عمومی» و غیره که مفاهیم هم‌پایه آن و دارای دامنه معنایی مرتبط هستند، وجود نداشته است. در نتیجه، در دوران‌های پیش از مدرنیته، هرگاه این مفهوم در متون نویسندگان به کار رفته است به معنای امروزی «قانون اساسی» نیست. مثال برای این، مطلق مفاهیمی مانند «دولت» یا «دولت - شهر» به شهرهای یونان باستان است؛ البته این اشتباه حتی نزد خود اروپایی‌ها نیز رایج است. پس از انتشار تحقیقات جدید در حوزه تاریخ مفاهیم و تاریخ این مباحثی که متفکرانی مانند کارل اشمیت، راینهارد کوزلک، لئو اشتراوس، کوئنتین اسکینر و بقیه درباره مفهوم دولت و تاریخ پیدایش آن و تمایز آن با گذشته مطرح کردند، امثال لئو اشتراوس تصریح کردند که برای «پولیس» یا «شهر»های یونان باستان نمی‌توان دقیقاً از معانی «دولت» و «دولت - شهر» استفاده کرد؛ چون در شهرهای باستان با «نظام» و تشکیلاتی که طی امپراتوری رُم، پادشاهی‌های قرون وسطایی و نظام‌های سیاسی مدرن تحت عنوان «دولت» می‌شناسیم، مواجه نیستیم.

مثال‌هایی از این دست بسیار است؛ اما هدف ما در این مجال فقط نشان دادن سختی‌ها و محدودیت‌های پژوهش، ترجمه و مطالعه تاریخ اندیشه است و ذکر این نکته که در ترجمه این مقالات، تاریخ تحول این مفاهیم مد نظر بوده و تلاش شده است

برگردان هر مفهوم تناسب لازم با هر برهه تاریخی یا نزد متفکر مربوطه را داشته باشد؛ در عین حال که آن مفاهیم به زبان اصلی در پانویس آورده شده است تا مخاطب با دقت بیشتری متن را مطالعه کند. از همین روی، نمی‌توان مفاهیم و ایده‌ها در هر زبان را با ریاضیات قیاس کرد و نتیجه گرفت که برای مثال، چون اعداد در همه زبان‌ها یک معنا دارند و فقط صورت نوشتاری آن‌ها متفاوت است، پس زبان و مفاهیم نیز از همین دسته‌اند. زبان‌ها هرکدام تاریخ، تحولات و مفاهیم خاص خود را دارند و هرکدام از مفاهیم در زبان‌ها می‌تواند معانی متفاوت داشته باشد؛ چراکه تجربه‌های متفاوت تاریخی را در خود ثبت کرده و در عین حال برخی تحولات و تجارب تاریخی را نیز شکل داده‌اند که هریک از آن‌ها می‌تواند منحصر به یک کالکست یا زمینه مشخص باشد، حتی برخی واژه‌ها و اصطلاحات در زبان‌هایی مشخص ابداع و وارد زبان‌های دیگر شده‌اند و گاهی معانی متعارض و متناقض یافته‌اند. درنهایت، امید است که تلاش و دقت مترجمان مجموعه رضایت خوانندگان را جلب کند. از همه مترجم‌های این مجموعه، انتشارات قصیده‌سرا و همه آنهایی که در انتشار این مجموعه نقش داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

بهنام حبیبی<sup>۱</sup>

### مقدمه مترجم

من به طور جدی بر این باورم که نوشتن مقدمه برای متونی که ترجمه می‌کنیم فقط یک کارهای بیهوده مرسوم در صنعت چاپ و نشر ما به حساب می‌آید. مخصوصاً وقتی مقدمه مترجم را به بهانه‌ای برای حقنه کردن فنی خاص از متن تبدیل می‌کنیم. تاجایی که به من مربوط می‌شود مترجم فقط وقتی می‌تواند زحمت مطالعه مقدمه را به حسابگانش بدهد که در مقام مفسر، متنی را از چشم‌اندازی خاص ترجمه کرده باشد. از این منظر نوشتن مقدمه بر متنی که حیثیت شناسنامه‌ای دارد، بیهوده‌تر و بی‌معناتر از چیزی است که در ابتدای این متن به آن اشاره کردم. باوجوداین و با عنایت به عنوان کتابی که در دست دارید، لازم است چند نکته مختصر را یادآوری کنم. همین‌طور باید در انتهای این متن از دوستان و همکارانی که به نحوی در گزینش واژه‌ها و فهم مطالب این نوشته کوتاه به من یاری رساندند، تشکر کنم.

فمینیسم، بدون توجه به هیاهوی ایدئولوژیکی‌ای که ممکن است در جنبش‌های اجتماعی ایجاد کرده باشد، برای ما

موضوعیت دارد. تلاش برای آشنایی با این عنوان از چند جهت برای ما حائز اهمیت است؛ تاجایی که می‌توانیم بی‌اینکه بیمی از خطا داشته باشیم، ادعا کنیم که هسته اصلی مطالعات فمینیستی هنوز در افق معاصر ما قرار دارد. منظورم این است که به شکل بنیادینی با ما، در مقام یک مردم، پیوسته است. اهمیت فمینیسم برای ما بیش از هر چیز در کارکردهای پژوهشی قابل توجه آن است. از این منظر، فمینیسم به ما کمک می‌کند تا درک موسعی از سرائندهای فکری، نهادی و سرمشق‌های جاری در تاریخ سیاسی و اجتماعی انسان غربی به دست آوریم. همین‌طور می‌تواند زمینه‌های لازم برای به دست آوردن بینشی موسع‌تر به آنچه در مواجهه با تاریخ اندیشه سیاسی در غرب مبهم بوده است، در اختیار ما قرار دهد: مالکیت، آزادی، تربیت، خانواده، مفهوم مغفول‌مانده شهروندی و گستره قابل توجهی از مفاهیم سیاسی در سایه مطالعات فمینیستی معنای روشن‌تری پیدا می‌کنند.

به‌علاوه و از یک وجه دیگر، راجعه فمینیستی با تاریخ فلسفه و اندیشه سیاسی در غرب براساس مکان به دست آوردن درک روشنی از تمایز وضعیت ما با زمینه‌های غربی شکل‌گیری فلسفه سیاسی فراهم می‌کند. مخصوصاً وقتی دانشی زمینه‌ای درباره نهاد‌های حقوقی و روند تاریخ سیاسی خودمان، به مطالعه درباره روایت‌های فمینیستی از تاریخ فلسفه سیاسی پردازیم، این تمایز برای ما روشن‌تر می‌شود. از این جهت مطالعه تاریخ فلسفه و اندیشه سیاسی غرب از چشم‌اندازی فمینیستی، همچنین می‌تواند روزه‌ای در نظر گرفته شود به‌سوی آنچه ما، در مقام یک هستی متفاوت تاریخی، هستیم. متنی که در اختیار

دارید به شکل قابل توجهی این دو موضوع را پوشش می دهد.  
من در جریان برگرداندن این متن به فارسی از هم فکری  
دوستانی استفاده کردم که مرا در گزینش معادل مناسب برای  
برخی از واژه ها و فهم برخی از بخش های متن یاری کردند که  
از آنها سپاسگزارم. در پایان، از آقای دکتر احمد بستانی که  
همواره برای هم فکری در موضوعات فکری همراه هستند، و نیز  
از آقای دکتر محمود علی پور تشکر می کنم.

www.ketab.ir